

دفتر راهنمای روش تهیه مرامنامه اخلاقی در علوم

مقدمه:

ملاحظات مقدماتی برای تدوین مرامنامه اخلاقی

- ۱- انسان رفتارهای متعددی دارد که برخی از آنها اختیاری و برخی غیر اختیاری است. اعمال غیر اختیاری که از انسان سر می زند مثل رفتار طبیعی اندامهای بدن مثل قلب و کبد چون در اختیار انسان نیست در اینگونه موارد، اخلاقیات معنا ندارد. به همین جهت است که کارهایی که دیوانگان انجام می دهند در ارزیابی اخلاقی قرار نمی گیرد. قصدیت فعل، شرط مهمی از اخلاقی بودن یک رفتار است که در نتیجه آن پاداش و جزا معنا پیدا می کند. اگر در نظر داریم اخلاقی بودن را در علم بیان کنیم باید توجه داشته باشیم که صرفا افعالی در معرض داوری اخلاقی قرار میگیرد که انجام دهنده آن انسانی باشد که آن فعل را از روی قصد انجام داده باشد. به همین جهت کلیه نتایجی که از یک فعل و انفعال علمی بوجود می آید در معرض قضاوت اخلاقی قرار نمی گیرد. اگر در اثر یک فعل و انفعال طبیعی، ماده ای خطرناک بوجود بیاید نمی توان این فعل و انفعال را اخلاقا محکوم نمود؛ همانگونه که یک شیر به علت دریدن یک آهو مورد قضاوت اخلاقی قرار نمی گیرد. با فرض اینکه تنها انسان است که از اختیار برخوردار است، لذا اخلاقیات برای انسان معنا دارد و فقط افعالی از او در معرض قضاوت قرار می گیرد که بطور اختیاری انجام شده باشد. به این جهت اخلاقیات در علم نمی تواند به خود علم راجع باشد بلکه به رفتارهای انسانی که در مسیر تولید، ارتقاء، توزیع و استفاده از علم توسط انسانها بوجود می آید راجع است. پس یافتن معیارهای اخلاقی در علم یعنی یافتن رفتارهای اختیاری انسانها که در مسیر علم برای آنها بوجود می آید.
- ۲- از آنجا که قضاوتهای اخلاقی مبتنی بر نوعی نگرش در فلسفه اخلاق است و این مبانی اخلاق متنوع است، باید توجه داشت که اگر بنا باشد که ابتدا یک نوع نگرش خاص اخلاقی در فلسفه اخلاق را بپذیریم تا بر اساس آن خوب و بد و باید و نباید را تعیین کنیم، معمولا این کار برای فیلسوفان میسر باشد برای دانشمندان غیر قابل دستیابی است. لذا در ابتدا با تعیین ویژگی های یک نوع تفکر مثل تفکر اسلامی و ارائه مدلی از اخلاقیات به سراغ تعیین معیارهای اخلاقی خواهیم رفت. بدین جهت هر تهیه کننده مرامنامه اخلاقی باید مبانی فکری خود را در اخلاق معین کند تا پس از توافق بر آن مبانی در میان یک جامعه بخصوص بتوان دستورالعملهای اخلاقی را تدوین کرد. پس از مقبولیت مبانی فکری در میان یک جامعه که توسط اندیشمندانی فلسفی نگر تدوین می گردد می توان نسبت به بقیه راه اقدام نمود. مثلا اگر ایجاد بیشترین لذت برای یک جامعه ملاک اخلاقی بودن کاری باشد با وقتی که برترین فضیلت معیار قرار گیرد متفاوت خواهد بود. به همین جهت پیروان یک مرامنامه اخلاقی باید در یک نگرش مبنایی (مثل ترجیح تفصیلهای دینی بر عقل خود بنیاد بشری) توافق نسبی داشته باشند تا بتوان مرامنامه متناسب تدوین نمود. بدیهی است تبیین این مبانی می تواند در یک جامعه ارتقاء پیدا کند و تا مبنای مستدل تری برای آن پیدا نشده است همان تفکر بنیادی مبنای

- تعیین معیارهای اخلاقی خواهد بود. به این جهت است که مرامنامه های اخلاقی علی رغم تشابه بسیاری که باهم دارند از یک جامعه به جامعه دیگر می تواند متفاوت باشد.
- ۳- از آنجا که رشد اخلاقی در انسان با رشد فکری او افزایش می یابد پس همانگونه که «کلبرگ» بیان می کند (کلبرگ، ۱۹۸۴، ص ۱۲۵) قضاوت‌های اخلاقی ما به مرور زمان ارتقاء می یابد و در مراحل پختگی کامل از بهترین موقعیت برخوردار خواهد شد. او مراحل ارتقاء اخلاقی را در قضاوت‌هایمان به سه سطح پیشاعرفی و عرفی و پسا عرفی تقسیم نموده است؛ که در مرحله پیشاعرفی خوب و بد را با تشویق و تنبیه هم تراز می دانیم. در مرحله عرفی قبول عامه مردم و یا اصل طلایی اخلاق یعنی «هرچه را بر خود می پسندی برای دیگران نیز بپسند» تعیین کننده وظیفه اخلاقی خواهد بود. اما در مرحله پسا عرفی خوبی و بدی به خود فعل برمی گردد که فطرت‌های پاک به آن واقف می شوند و آن را مبنای تصمیم های اخلاقی خود می گیرند. اما در نظر کلبرگ همه افراد جامعه ضرورتاً تمامی این مراحل رشد را طی نمی کنند. برخی افراد میانسال می توانند در همان دوران پیشاعرفی کودکانه مانده باشند و بسیاری نیز در مرحله عرفی اخلاقیات را می نگرند و معدود افراد هم هستند که در مرحله پسا عرفی (ویا مرحله پس از آن که می تواند رضایت الهی باشد) ملاک قضاوت اخلاقی شان است. اما این تفاوتها باعث نمی شود که بسیاری از افعال نزد افراد در سطوح متفاوت از نظر اخلاقی متفاوت گردند. با اینکه خوب بودن امانتداری برای کسانی که در مرحله پیشاعرفی هستند به علت پاداش و جزا است و در مرحله عرفی به علت قبول آن برای عرف جامعه است و برای مرحله بالاتر بخاطر اینکه خود امانتداری کاری پسندیده است، اما این تفاوت نگرش باعث نشده است که امانتداری در نظر برخی خوب و در نظر برخی بد قلمداد شود.
- گرچه مرامنامه اخلاقی با رویکرد افراد به اخلاق تغییر چندانی نمی کند ولی اگر مرامنامه اخلاقی بگونه ای تنظیم گردد که بتواند افراد را به سمت نگرش متعالی در اخلاق سوق دهد کار بزرگ دیگری نیز انجام شده است.
- ۴- در تدوین مرامنامه های اخلاقی ملاحظات نظری بسیاری مورد توجه قرار گرفته است و در نتیجه یک دستورالعمل اخلاقی تنظیم گردیده است. این مباحث تخصصی کار اندیشمندان یک حوزه پس از تجزیه و تحلیل‌های بسیار است و در نهایت در مرامنامه به صورت وظایف اخلاقی مشخص می گردد. اصلاً مرامنامه اخلاقی برای آن تنظیم شده است که غیرمتخصصان نیازی به کنکاش نظری در مباحث نداشته باشند و مجموعه آیین نامه های عملی را برای کار خودشان داشته باشند. لذا نمی توان توقع داشت در مرامنامه های اخلاقی علت یک دستور بیان گردد. بلکه کدهای اخلاقی یکی پس از دیگری می آید.
- ۵- بدیهی است از مرامنامه اخلاقی نباید توقع داشت که در متخلق نمودن افراد اهل علم نقشی مهم داشته باشد. اگر چه مرامنامه های اخلاقی بسیاری باورهای اخلاقی ما را از ناخودآگاه به خودآگاه می آورد ولی برای اینکه فردی پایبند به اخلاقیات در علم باشد روشهای دیگری می طلبد که باید در جای خود آورده شود.

مراحل تدوین مرامنامه اخلاقی در علم

دانش بشری شاخه های متعددی یافته است که هر یک اقتضائات خاص خود را دارد. لذا برای تدوین مرامنامه برای تمامی رشته علمی نمی توان از یک مرامنامه خاص استفاده کرد ولی می توان الگویی ارائه نمود که بتوان با آن الگو مرامنامه خاص هر رشته علمی را تنظیم کرد. برای تدوین مرامنامه مراحل باید طی شود تا به مرامنامه خاص آن رشته رسید. در این جا در نظر است مراحل که باید طی شود تا مرامنامه یک رشته علمی تدوین گردد برشمرده شده توضیح داده شود:

مرحله اول: یافتن مواردی که نیاز به تصمیم اخلاقی دارند.

از آنجا که اخلاقیات در روابط مختارانه انسانی شکل می گیرد لذا در اولین مرحله باید بررسی شود که چه روابط انسانی در یک شاخه علمی رخ می دهد که در آن فرد باید تصمیمی از روی قصد بگیرد. هم اکنون در دنیای علم معمولاً فعالیتهای علمی انسانی در زمینه تولید علم، ارتقاء علم، نشر علم، آموزش علم، کاربرد علم رخ می دهد. در هریک از این دسته فعالیتهای روابطی بین افرادی که مشارکت در تولید یک علم دارند وجود دارد که می تواند منجر به برخی چالشهای علمی شود. در نتیجه ابتدا باید افرادی که بنحوی اراده شان در هریک از این شاخه ها تاثیر گذار است مشخص گردند تا در باره روابط آنها بررسی اخلاقی انجام پذیرد. بدیهی است که امری مثل تولید علم فی نفسه روابط چندانی ندارد ولی استلزامهای مهمی دارد که آن استلزامها مسائل اخلاقی را بین مشارکت کنندگان پدید می آورند.

این عوامل انسانی را می توان به شرح ذیل برشمرد:

- ۱- تولید علم: نسبت مولد علم با خودش
 - نسبت مولد علم با تامین کننده مالی تولید علم
 - نسبت مولد علم با جامعه علمی اش
 - نسبت مولد علم با همکارانش
 - نسبت مولد علم با نتایج انسانی علم
 - نسبت مولد علم با انتشار یافته های علمی
- ۲- ارتقاء علم: در ارتقاء علم همان نسبت های قبلی در تولید علم وجود دارد ولی نسبتهایی دیگر هم قابل احصاء است مثل:

- نسبت پژوهشگر با پژوهشگران پیشین
- نسبت پژوهشگر با پژوهشهای مرتبط
- پژوهشگر و انسجام رفتاری وی در پژوهش
- نسبت داوران پژوهش و پژوهشگر
- نسبت پژوهشگر با ابزارهای پژوهش و تامین کنندگان آنها
- ۳- نشر علم: نسبت ناشر علمی با پژوهشگر
- نسبت مسائل مالی نشر با ناشر و پژوهشگر
- نسبت ناشر علمی و علاقمندان دریافت علم
- ۴- آموزش علم: نسبت استاد و شاگرد
- نسبت استاد با منابع علمی
- نسبت استاد با تامین کنندگان مالی اش
- نسبت استاد با سازمان آموزشی وابسته به آن
- نسبت شاگرد با سازمان آموزشی
- نسبت استاد و شاگرد با اهداف آموزش در جامعه
- ۵- کاربرد علم: نسبت تولید علم با کاربرد آن در جامعه
- نسبت کاربرد علم و منافع جامعه
- نسبت کاربران علم و تولیدکنندگان علم
- نسبت کاربرد علم و محیط زیست

اگر بخواهیم فعالیت‌های عمده ای که امروزه در علم می شود و نیاز به بررسی برای اخلاقیات دارد ذکر کنیم می توان به اخلاق در پژوهش، اخلاق در آموزش، اخلاق در استفاده از علم دسته بندی کنیم.

حال در مرحله اول در شاخه علمی که در نظر داریم مرامنامه اخلاقی آن را تدوین کنیم باید کنکاش کنیم چه روابط انسانی وجود دارد که می تواند در آنها چالش بوجود بیاید. بدیهی است بسیاری از رفتارهای علمی اتفاق می افتد که بطور معمول تمامی دست اندرکاران آن رفتار طبیعی اخلاقی برای آن خواهند داشت. ذکر این موارد که تحت قوانین عام اخلاقی است در مرامنامه فقط در حد تنظیم وظایف و ایجاد حساسیت اخلاقی (بنا بر نظریه جیمز رست) است. تمامی دانشمندان می دانند که نباید در ارائه مطالبشان دروغ بگویند. تمامی آموزش دهندگان علم می دانند نباید از آموزش بیننده بهره برداری کرد. همه قبول دارند که کاربرد علم نباید باعث ضرر به جامعه گردد. تمامی ناشران علم می دانند که حقوق پژوهشگر باید داده شود. تمامی داوران پژوهشهای علمی می دانند که باید عدالت را در قضاوت خود در نظر بگیرند و

حب و بغض های شخصی را در قضاوت خود دخالت ندهند. آموزش بیننده می داند که در مواجهه با آموزش دهنده باید احترام را رعایت کند. امانتداری برای ناشر لازم است. اما در مقام برشمردن وظایفی که اغلب ذکر نمی شود می تواند کاربرد داشته باشند.

آنچه که برای مرامنامه اخلاقی مهم است برشمردن چالشهایی است که در روابط انسانی در علم بوجود می آید. لذا در این مرحله با در نظر گرفتن نسبتهای انسانی پیش گفته باید دیده شود چه ابهامهای اخلاقی در این روابط وجود داشته است که می تواند باعث سردرگمی اخلاقی گردد. چه تعارضهایی بین ملاکهای اخلاقی در یک رفتار علمی می تواند پیش بیاید که باعث دوراهی های اخلاقی گردد. مثلا گاهی صفت اخلاقی نشر آزاد علم با رازداری در یک پژوهش علمی در تعارض واقع می شود. یا صداقت موجب تخریب شخصیت علمی دیگر گردد. یا تعهد دانشمندی به کارفرمایش با صداقت او در افشای کارهای مضر آن کارفرما در تعارض قرار می گیرد. یا احترام به استاد با مقابله با رفتارهای غیراخلاقی او برای شاگرد تعارض اخلاقی بوجود آورد. برشمردن دسته بندی کردن این چالشهای اخلاقی مرحله اول تدوین مرامنامه است.

برای یافتن انواع معضلات اخلاقی نمی توان صرفا با بررسی نظری به نتیجه رسید. این امری استقرائی است که باید با بررسی واقعیتهای رخ داده آنها را شناخت. به همین منظور از راههای مختلفی می توان به این چالشهای اخلاقی دست پیدا کرد:

۱- گاهی می توان با مصاحبه های عمیق با کسانی که سالیان درازی در یک بخشی از فعالیت علمی بوده اند و انواع نسبتهایشان با دیگر دست اندرکاران علم را بخوبی تجربه نموده اند، به یافتن این چالشها رسید.

۲- گاهی نیز می توان انواع نسبتها را بطور نظری و در پیش اندیشی موارد احتمالی در نظر گرفت چه چالشهای بالقوه ای در آن روابط می تواند رخ دهد، سپس این امکان را با دست اندرکاران مطرح نموده و تحقق انضمامی آن را بررسی کرد.

۳- گاهی نیز با تحقیقهای میدانی می توان برخی از این چالشها را پیدا کرد.

۴- گاهی نیز می توان از کسانی که در فرهنگهای دیگر نمونه هایی از این چالشها را ذکر کرده اند پرسید و یا از نوشته هایشان فهمید که چه چالشهای اخلاقی می تواند در یک شاخه علم رخ دهد که نیاز به تعیین ملاکهای اخلاقی است. سایر تحقیقات نیز می توانند مسائلی را جلوی پای ما قرار دهند تا بر اساس آن بتوان یک یک چالشها را پیدا کرد. این مرحله استقصائی است و باید متناسب با واقعیتهای انضمامی دست پیدا کرد.

مرحله دوم: مشخص ساختن دست اندرکاران نیازمند به کدهای اخلاقی

از آنجا که دستورالعملهای اخلاقی ناظر به یک فاعل انتخابگر است لذا این دستورالعملها باید به افراد انسانی راجع باشد. بدین جهت در ابتدا کلیه دست اندرکاران فعالیتهای اختیاری در فرآیند تولید، نشر، آموزش، پژوهش و کاربرد باید مشخص گردند تا وظیفه اخلاقی هر ذینفعی بطور مجزا و دسته بندی شده ارائه گردد. در این مرحله دسته افرادی که هر یک فعالیت خاصی را در علم به عهده می گیرند باید معین گردند تا بتوان وظیفه اخلاقی هر فرد را با توجه به نوع فعالیتش مشخص ساخت. توجه داریم که با اینکه بسیاری فعالیتها در علوم مختلف مشابه است و در نتیجه دست اندرکاران آنها مانند یک دیگر هستند ولی علوم مختلف با توجه به محدوده فعالیتشان دست اندرکاران متفاوتی می توانند داشته باشند. مثلا در مدیریت نقش مدیران یک سازمان بسیار مهم است و باید به عنوان دست اندرکار ویژه برای این علم دارای دستورالعمل اخلاقی باشد در حالی که این نقش در رشته ای مثل زیست شناسی چندان اهمیت بالایی ندارد. یا در رشته ای مثل صنایع کارگر نقش خاصی را ایفا می کند که در فیزیک چندان وجهی برای آن وجود ندارد.

در کل دست اندرکاران یک رشته علمی دو نوع هستند: یا دست اندکار مشابه در تمامی علوم و یا دست اندرکار خاص متناسب با آن رشته. برای کلیه علوم ذینفعان ذیل را می توان دست اندرکار مشابه برای تمامی شاخه های علوم در نظر گرفت:

(۱) پژوهشگر،

(۲) آموزش دهنده،

(۳) آموزش گیرنده،

(۴) توزیع کننده علم یا ناشر،

(۵) داور و ارزیاب علمی،

(۶) تامین کنندگان مالی در علم،

(۷) کاربر

پس از تعریف مشخصی که در هر یک از علوم از عناوین فوق ارائه می شود، هر شاخه علمی باید سایر دست اندرکاران مهم علم خویش را که در قالب اشخاص فوق نمی گنجند و در آن علم خاص باید به آن توجه داشت معین کند تا وظایف اخلاقی آنها نیز در آن علم تدوین گردد. این افراد می توانند عناوینی همچون عناوین ذیل داشته باشند:

(۱) مدیران،

(۲) پژوهش شوندگان،

(۳) کارگران،

(۴) تکنیسین ها،

(۵) طراحان،

(۶) دریافت کنندگان خدمات علمی (مثل بیماران) و..

در تدوین مرامنامه اخلاقی وظایف اخلاقی بر اساس هریک از دست اندرکاران فوق متناسب با چالشهای اخلاقی که با آن مواجه می شوند معین می گردد و با این تقسیم بندی حیطه وظایف هر دسته از افراد مشخصا اعلام می گردد.

مرحله سوم: بازساختن چالشهای اخلاقی در آن علم

از آنجا که در نظر است وظایف اخلاقی هر دسته از ذینفعان بطور مجزا تنظیم گردد لذا باید در نسبتهایی که در مرحله اول گفت نسبتهایی که هر یک از دست اندرکاران با سایر عوامل انسانی دخیل در علم دارند مورد شناسایی قرار گیرند و با توجه به چالشهای گفته شده در مرحله دوم، نسبت به تعیین انواع چالشهای اخلاقی که هر یک از دست اندرکاران با سایر عناصر دخیل در علم می توانند داشته باشند اقدام گردد. این چالشها مبنای تصمیم گیری درباره وظایف سلبی و ایجابی هر دسته از افراد خواهد بود. مثلا چالشهایی که پژوهشگر می تواند با توزیع کننده یا ناشر علم داشته باشد، یا چالشهایی که می تواند با تامین کنندگان مالی پژوهش داشته باشد، یا چالشهایی که امکان دارد با پژوهش شونده انسانی یا حیوانی برای او پیش آید، یا چالشهای احتمالی با داوران و ارزیابان پژوهش برای او متصور است، یا مشکلات اخلاقی که در نسبتش با استفاده کنندگان از آثار پژوهشی اش می تواند داشته باشد و غیره. بدیهی است هریک از این چالشها، نشان می دهد که چه نوع دستورهای

اخلاقی باید محور توجه باشد (مثل صداقت، رازداری، سودمندی، رعایت حریم خصوصی و غیره). با این دسته بندی بخوبی می توان نقشه راهی را بازشناخت که باید در تدوین مرامنامه اخلاقی مورد توجه قرار گیرد.

مرحله چهارم: تعیین اصول اخلاقی

از مجموعه اخلاقیاتی که دست اندرکاران یک علم باید به آنها توجه داشته باشند برخی عناوین اخلاقی هستند که می توانند به عنوان اصول اخلاقی منشا سایر اخلاقیات دانسته شوند. با توجه به انواع چالشهای اخلاقی و راه حلهای اخلاقی چالشها می توان به چند اصل رسید که مبنای اصلی بقیه دستورالعملهای اخلاقی هستند. در این مرحله این اصول بازشناخته شده و معرفی می گردند. مثلا در اخلاق پزشکی برخی اصول چهار گانه ذیل را مبنای دانسته اند (لاریجانی، ۱۳۸۱، ص ۱۸):

۱) احترام به اختیار انسانها،

۲) سود داشتن کارها،

۳) ضرر نرساندن به دیگران،

۴) عدالت.

یا در اخلاق در فضای مجازی با رویکرد اسلامی موارد ذیل را اصول این اخلاق دانسته شده است (آیت اللهی، مرامنامه اخلاقی در فضای مجازی):

۱- صداقت

۲- حفظ حریم خصوصی و امتناع از غیبت

۳- امنیت و ضرر نزدن مادی و معنوی به دیگران

۴- امانتداری و احترام به حقوق دیگران

۵- حفظ حریم هنجارهای عرفی و دینی

۶- نیت درست اخلاقی

۷- اصل سودرسانی و کمک به رشد و تعالی دیگران

بیان این اصول پس از آن است که انواع مواجهه های اخلاقی در علم مورد نظر استقصا شده و اصول عام اخلاقی را بر اساس آن بتوان بدست آورد. درست است که مرامنامه اخلاقی برای برطرف کردن چالشهای

اخلاقی تنظیم می شود ولی از آنجا که اخلاقیات امری ایجابی است لذا بجای ذکر انواع چالشهای اخلاقی عمده که در یک علم بوجود می آید و امری سلبی است مناسب است که از فضایل اخلاقی که برای برطرف کردن آن مشکل لازم است اسم برده شود نه بد اخلاقی ها، تا خود بیان اصول نیز در جهت ترغیب به خوبیها تنظیم شده باشد.

مرحله پنجم: تعیین رویکرد مبنایی در اخلاق

اصول عام اخلاقی پیش گفته، علی رغم پذیرش در بادی امر برای فطرت انسانی و قاطبه انسانها، ولی در فرهنگهای گوناگون و با بینش های بنیادی متفاوت تعریف و حدود متفاوتی پیدا می کنند. مثلا در تفکر اخلاقی نتیجه گرا، صداقت با معیارهای نتایج آن سنجیده می شود در نتیجه محدوده ای خاص پیدا می کند که دیگر در آن غرض عامل اخلاقی اهمیتی ندارد در نتیجه اصول اخلاقی بگونه ای تعریف می شود و تنظیم می گردد که این مبنای فکری را تامین کند. یا در یک تفکر لیبرالیستی عناصر توجه به آزادی های فردی از عدالت جلوه بیشتری می یابد در حالی که برای کسانی که تفکر سوسیالیستی دارند عدالت ارزش والاتری را نسبت به آزادی های فردی دارد. یا پیروان اخلاق سکولار برخی اصول را بگونه ای می بینند که قائلان به اخلاق دینی آنگونه باور ندارند.

اما بحث و جدل درباره مبنای صحیح اخلاقی مثلا در فلسفه اخلاق چالشی نظری است که تا کنون در معرض جدلهای طولانی مدت قرار گرفته است و پیش بینی نمی شود بتوان در آن به اجماعی رسید. از آنجا که اخلاق با رفتارهای امروز و اینجایی و فوری انسانها سروکار دارد و نمی توان منتظر حل این چالشها برای تصمیم گیری اخلاقی شد، لذا بجای بحثهای نظری دور و دراز، بهترین کار آن است تنظیم کنندگان یک مرامنامه اخلاقی براساس بینش بنیادی که دارند ابتدا یک تعریفی از مبانی نظری خود ارائه دهند تا جامعه ای که آن بینش را می پذیرد بتواند مبتنی بر آن اصول اخلاقی و سپس دستورالعملهای خاص اخلاقی را تدوین نماید. ولی ضرورت دارد تنظیم کنندگان یک مرامنامه اخلاقی ابتدا تعاریفی را از اصول اخلاقی بطور مشخص ارائه کنند تا میان جامعه علمی به عنوان اصل متعارفی پذیرفته گردد.

در این مرحله ضرورت دارد تهیه کنندگان مرامنامه مبانی نظری خودشان را در اخلاق مشخص سازند. مثلا در تفکر اسلامی باید ابتدا مشخص گردد که منظور از اخلاق با رویکرد اسلامی چیست و در یک فرهنگ بخصوص چگونه حدود آن تعریف می گردد. نگرش اخلاقی در جامعه ای شیعی، با جامعه ای که نگرش اشعری را پذیرفته تفاوت می کند (علی رغم پذیرش بسیاری مشترکات). در این مرحله، باید مرامنامه اخلاقی بجای کلی گویی دقیقا مشخص سازد که نگرش خاص مورد توجه در آن مرامنامه چه تفاوتهای معینی با سایر تفکرات اخلاقی دارد و وجه متمایز آن چیست، تا دانسته شود بر اساس چه مبنایی این

مرامنامه شکل گرفته است. مثلاً در جامعه ما ضرورت دارد پیش از ارائه مرامنامه ویژگی های رویکرد ایرانی - اسلامی یا شیعی به اخلاق مشخصاً بیان گردد و اشاره ای هم به تمایز آن با سایر نحله های اخلاقی بشود تا معلوم گردد اصول اخلاقی ذکر شده با چه مبنایی تهیه شده و چگونه محدوده آن مشخص می گردد.

مرحله ششم: تدوین مرامنامه اخلاقی در آن علم

در این مرحله مجموعه دست آوردهای پیشین باید پردازش شوند تا بطور منظم و دسته بندی شده وظایف اخلاقی در آن علم معین گردد. در دسته بندی اولیه ذینفعان آن شاخه علمی یک به یک معین گردند تا بر اساس نوع فعالیت هریک از دست اندرکاران بتوان وظایف اخلاقی آنها را مشخص کرد.

سپس چالشهایی که هریک از این دست اندرکاران با آن مواجه می شوند و در در مرحله اول ذکر شد در یک مجموعه گردآوری می گردد. حال با توجه به مبانی تفکر اخلاقی که در مرحله پنجم مشخص شده است باید تکلیف اخلاقی آن ذینفع را در یک یک چالشها معین نمود و مجموعه دستورالعملهای اخلاقی که آن ذینفع در محدوده فعالیت خود در آن علم دارد بدست آید. این مجموعه برای یکایک ذینفعان نیز به همین طریق معین می گردند تا کلیه کدهای اخلاقی مربوط به آن رشته علمی (و در واقع، فعالان در آن رشته علمی) تدوین گردد.

از این مرحله به بعد با دسته بندی مطالب در یک مجموعه منسجم و با ویراستاری مناسب، به مرامنامه اخلاقی آن رشته علمی دست پیدا خواهیم کرد.

بطور خلاصه مراحل اجرایی تدوین کدهای اخلاقی در هر علمی را می توان به شرح ذیل تنظیم نمود:

مراحل منطقی و اجرایی برای تدوین مرامنامه اخلاقی در علم

مرحله اول: یافتن مواردی که نیاز به تصمیم اخلاقی دارند.

تعیین نسبت هر فعالیت علمی با سایر فعالیتها در زمینه تولید علم، ارتقاء علم، نشر علم، آموزش علم، کاربرد علم

مرحله دوم: مشخص ساختن دست اندرکاران نیازمند به کدهای اخلاقی

دست اندرکاران عام: (۱) پژوهشگر، (۲) آموزش دهنده، (۳) آموزش گیرنده، (۴) توزیع کننده علم یا ناشر، (۵) داور و ارزیاب علمی، (۶) تامین کنندگان مالی در علم، (۷) کاربر

دست اندرکاران خاص: (۱) مدیران، (۲) پژوهش شونده، (۳) کارگران، (۴) تکنیسین ها، (۵) طراحان، (۶) دریافت کنندگان خدمات علمی (مثل بیماران)

مرحله سوم: بازساختن چالشهای اخلاقی در آن علم

مرحله چهارم: تعیین اصول اخلاقی

همانند (۱) صداقت، (۲) حفظ حریم خصوصی، (۳) امنیت و ضرر نزدن مادی و معنوی به دیگران، (۴) امانتداری و احترام به حقوق دیگران، (۵) حفظ حریم هنجارهای عرفی و دینی، (۶) نیت درست اخلاقی، (۷) اصل سودرسانی و کمک به رشد و تعالی دیگران

مرحله پنجم: تعیین رویکرد مبنایی در اخلاق

مثل تبیین نگرش اسلامی - ایرانی به اخلاق

مرحله ششم: تدوین مرامنامه اخلاقی در آن علم

- ۱- بر اساس دیدگاه کلبرگ، رشد اخلاقی انسان از یک روند صعودی برخوردار است. انسان در طفولیت قضاوت‌های اخلاقی خود را براساس تنبیه‌های بیرونی سپس منافع شخصی انجام می‌دهد که او این مرحله را پیش‌اعرفی می‌نامد، در مرحله عرفی او یا قضاوتش را براساس جامعه متعلق به آن تنظیم می‌کند و سپس قانون کلی اجتماعی مبنای تصمیمات اخلاقی او خواهد بود که او به این مرحله عرفی می‌گوید. اما اگر فرد بر اساس ملاکهای فطری خود در اخلاق و صرف خوب و بد بودن افعال تنظیم کند در نظر او فرد در مرحله پسا عرفی خواهد بود. کلبرگ معتقد است احتمال دارد بسیاری افراد با اینکه سنین بالایی داشته باشند در مرحله‌های پایین‌تر مانده و رشد لازم اخلاقی را نکرده باشند لذا برخی انسانهای مسن قضاوت اخلاقی شان بر اساس منافع شخصی شان خواهد بود. بدیهی است تصمیم‌گیری‌های اخلاقی این افراد تعارضی آشکار با رشد بالاتر اخلاقی را خواهد داشت. از آنجا که این مشکل رشدی امری طبیعی قلمداد نمی‌شود لذا مرانامه‌های اخلاقی برای سطح فکری این افراد تنظیم نمی‌گردد، بلکه برای کسانی که در مراحل عرفی و بیشتر پسا عرفی هستند تنظیم می‌گردد. در تدوین مرانامه نیز از کسانی استفاده می‌شود که خود رشد اخلاقی لازم را داشته باشند یعنی رشدی متناسب با مرحله پسا عرفی داشته باشند به تنظیم مرانامه اقدام خواهند کرد.
- ۲- نگارنده، برای مشخص ساختن مبنای اخلاقی بر اساس نگرش اسلامی ایرانی مقاله‌ای را برای اخلاق پزشکی تنظیم نموده است که می‌تواند مدل مناسبی برای تدوین مرانامه اخلاقی براساس نگرش اسلامی ایرانی باشد (آیت‌اللهی، ۱۳۸۱). این مقاله قبلا در مجله اخلاق و تاریخ علم منتشر شده است که صرفا به مقوله اخلاق پزشکی پرداخته است. سپس این مدل در طرحی که برای تنظیم مرانامه اخلاقی در فضای مجازی برای مرکز ملی فضای مجازی انجام شده بود نیز تنظیم شد. بنظر می‌رسد این مدل براحتی قابل تعمیم به کلیه شاخه‌های علوم است و می‌توان به عنوان مبنایی مرحله پنجم را با این مقاله تدوین شده دانست و در نتیجه بر آن اساس نسبت به تدوین کدهای اخلاقی در رشته‌های مختلف اقدام کرد. این مدل برای تنظیم اخلاق در علم نیز بازنویسی شد که به پیوست آورده می‌شود.
- ۳- در مرانامه‌های اخلاقی از کلی‌گویی احتراز می‌گردد، بلکه بیشتر، به مواردی که به علت ابهام، باعث دودلی می‌گردد پرداخته می‌شود. متاسفانه برخی مرانامه‌هایی که اخیرا منتشر شده است بسیار مختصر بوده و آن‌چنان کلی هستند که تقریبا هیچ شناخت افزونتری را به ذینفعان نمی‌دهد. در نتیجه این مرانامه‌ها جنبه تزئینی پیدا می‌کنند و نمی‌توانند برای دست‌اندرکاران راهگشا باشند. مرانامه‌های اخلاقی باید بتوانند ابهامهای اخلاقی را برطرف کنند و مبنایی روشن برای تنظیم روابط بین افراد ارائه دهند بگونه‌ای که بتوان به خوبی در خصوص یک واقعه‌ای که اتفاق افتاده است بر آن اساس قضاوت اخلاقی داشت.
- ۴- مرانامه‌های اخلاقی صرفا روشن‌گر وظایف اخلاقی افراد هستند ولی تضمینی برای اجرای آن نمی‌دهند. متخلق بودن به اخلاق، راههای عملی دیگری می‌طلبد که باید در علوم تربیتی و نهادینه‌سازی منش اخلاقی به آن پرداخت. لازم است پس از تدوین مرانامه‌های اخلاقی، راهکارهایی اجرایی برای پیاده نمودن آن در محیط‌های علمی ارائه نمود و سپس برای اجرایی کردن آن و فراگیری آن در میان دست‌اندرکاران آن رشته علمی اقدامهای لازمی را داشت. این نوع کار از حیثه این تحقیق خارج است لذا باید در تحقیق‌هایی دیگر راههایی برای نهادینه‌سازی منش اخلاقی در فعالان علمی ارائه نمود و بد اخلاقی‌ها را از جامعه علمی زدود.

۵- دستورهای اخلاقی الزام‌های لازم را برای افراد بوجود نمی‌آورند. در یک محیط اجتماعی که التزام به وظایف اخلاقی اهمیت دارد باید پس از تدوین دستورالعمل‌های اخلاقی به فکر نظام‌های حقوقی و جزایی برای تثبیت این وظایف بود و بر اساس آن مرامنامه‌ها نه تنها وظایف هر یک از دست‌اندرکاران را مشخص نمود بلکه حقوقی که طرف مقابل او به علت وظیفه اخلاقی نفر اول واجد می‌شود معین نمود و برای احقاق حقوق ناشی از آن برنامه‌هایی را داشت. عدم پایبندی به وظایف اخلاقی، نیاز به نظام‌هایی جزایی نیز در یک رشته علمی داراست که باید پس از معین شدن دستورهای اخلاقی نسبت به تنظیم آن و ضمانت اجرایی آن اقدام گردد.

۶- قالب اصلی منشور اخلاقی مشخص‌کننده باید‌ها و نباید‌ها و غیره است و نمی‌توان آن را به صورت توصیه‌ای و یا تبلیغی ارائه نمود. توصیه‌ها ناظر به روش پایبندی به اخلاق هستند در حالی که مشخص شدن وظایف اخلاقی یک امر است و پایبندی به آن یک موضع دیگر. اولی مربوط به علم نظری در اخلاق است و دومی ناظر به روش‌های تربیتی که درگیر شدن با دومی ابهام‌های چالش‌برانگیز را برطرف می‌کند؛ لذا باید ابتدا وظایف اخلاقی دقیقاً مشخص شوند سپس راهکارهای اجرایی برای تخلق به اخلاق ارائه گردد. بدیهی است ذکر مرامنامه اخلاقی و نصب‌العین داشتن آن خود می‌تواند بگونه‌ای پایبندی به اخلاق را تقویت کند و در مواقعی که بد اخلاقی‌ها ناشی از نبودن حساسیت اخلاقی است در ایجاد حساسیت اخلاقی موثر باشد ولی این نقش دوم نباید نقش تبیین‌کنندگی آن را از بین ببرد.

۷- استفاده از دست‌اندرکاران و همفکری با آنها در فرایند تدوین مرامنامه‌های اخلاقی، موضوعات اخلاقی را از حالت ناخودآگاه آن افراد به خودآگاه تبدیل خواهد کرد و خود دست‌اندرکاران سعی خواهند کرد تا حدود و ثغور دستورات اخلاقی را استنباط کنند. این روش نه تنها به تدوین مرامنامه کمک خواهد کرد بلکه به تنظیم روابط انسانی و تخلق به دستورات اخلاقی خواهد انجامید.

۸- تعهدنامه‌های اخلاقی و فرمان‌های اداری اخلاقی در قالبی متفاوت از مرامنامه ارائه خواهد شد؛ چراکه تعهدنامه‌های اخلاقی برای ایجاد پایبندی به اخلاق تنظیم می‌گردد نه برای روشن‌گری وظایف اخلاقی. لذا نباید هریک بجای دیگری تنظیم گردد (مثلاً در مرامنامه اخلاقی نمی‌توان از واژه‌هایی همچون «ما قول می‌دهیم که» و «ما خود را موظف می‌دانیم که» که یک تعهد شخصی است استفاده کرد)